



سجده

بیست و چهار روایت از روضه هلالی که زندگی می‌کنیم

دبیر مجموعه: نفیسه مرشدزاد

ویراستار: علی حسن آبادی



مجموعه‌ی کاشوب

رست خیز: بیست و چهار روایت از روضه‌هایی که زندگی می‌کنیم؛ / نویسندگان به ترتیب حروف الفبا زینب ابراهیم‌زاده ... [و دیگران] دبیری و تدوین نفیسه مرشدزاده، و راستاری علی حسن آبادی. تهران - اطراف، ۱۳۹۷.

۲۱۲ ص.

مجموعه‌ی گاشوب ۲.

دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۸۸۴-۷۰۰

جلد ۲: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۹۴-۰۷-۵

فیبا

نویسندگان به ترتیب حروف الفبا: زینب ابراهیم‌زاده، عیسی ابطنی، سیداحمد برقی، رؤیا پوراآذر، حبیب جعفریان، علی حسن آبادی، سمیه‌سادات حسینی، محمدرور رجائی، محمدعلی رکنی، علی رمضان، علی زند، علی سیف‌الهی، زهرا شاهی، مهدی شریفی، امین شیرپور، غلامرضا طریقی، احسان عبدی‌پور، فاطمه علوی یگانه، زهرا کاردانی، محمدرضا کریمی‌راد، یاسین کیانی، محمدحسین محمودزاده، شهید بهروز مرادی، سیدامید مؤذنی.

داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها

مرشدزاده، نفیسه، ۱۳۵۰ -

۱۳۹۷ / ۱۵ / PIR۴۲۴۹

۸۳/۶۲۰۸

۵۳۱۲۸۷۷

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

فروست:

شابک:

وضعیت فهرست نویسی:

یادداشت:

موضوع:

شناسه افزوده:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

اسک‌خیز

سراط ۷۱۲

بیدست و چار روایت از روضه هیل که زندگی می‌کنیم

ویراستار: علی حسن آبادی

دبیر مجموعه: تقی‌الله مرشدزاد

نویسندگان به ترتیب حروف الفبا:

زینب ابراهیم‌زاده • معین ابطهر • سیداحمد برقی • رؤیا پورآذر • حبیب جعفریان • علی حسن آبادی • سمیه سادات حسینی • محمد سرور جانی • محمدعلی رکنی • علی رمضان • علی زند • علی سیف‌الهی • زهرا شاهی • مهدی شریفی • امین شیرپور • غلامرضا طریق • احسان عبدی‌پور • فاطمه علوی یگانه • زهرا کاردانی • محمدرضا کریمی‌راد • یاسین کیانی • محمدحسین محمودزاده • شهید بهروز مرادی • سیدامید مؤذنی

با تشکر از: مرتضی کاردر



اطراف

دبیر فنی: محمدرضا لری‌چی

طراح جلد: حمید قدسی

عکس روی جلد: حجت حمیدی

چاپ: کاج صحافی نمونه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۹۴-۰۷-۵

چاپ ششم: ۱۴۰۳، ۱۰۰۰ نسخه

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این اثر برای «نشر اطراف» محفوظ است. هرگونه تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر (چاپی، صوتی، تصویری، الکترونیکی) بدون اجازه‌ی کتبی ناشر ممنوع است. نقل برش‌هایی از متن کتاب با ذکر منبع آزاد است.

تهران، خیابان میرداماد، خیابان مصدق جنوبی، کوچه‌ی تابان، پلاک ۱۱، واحد ۱

تلفن: ۲۲۹۰۲۹۷۵

Atraph.ir

فهرست

پاتیل‌ها رالت می‌زنم	۱۱	احسان عابدی‌پور
هسته‌ی آندوه	۲۱	حبیبه جعفریان
ساعت اسارت	۲۹	شادی شریفی
رکاب زدن با نورکریم	۳۹	محمدحسین محمودزاده
شیشه‌ی شمر	۴۵	غلامرضا طریقی
مقام مُضطَر	۵۱	رؤیا پورآذر
مجلس ملاموسی در جاده‌ی آبادان	۶۱	شهید بهروز مرادی
جهتِ خواب دیدنِ رفتگان	۶۹	زهرا شاهی
آتش و موی	۷۵	محمدعلی رکنی
حاج‌آقاها دو بارغی آیند	۸۱	معین ابطحی
بعد از رسول	۹۱	علی حسن‌آبادی
مرد کویِر کجا گریه می‌کند	۹۷	زهرا کاردانی

سینه سرخ‌ها	۱۰۵	سید احمد برقی
مرشد و اشقیا	۱۱۵	علی سیف‌الهی
سیتارلین	۱۲۲	محمد سادات حسینی
دم‌دیگ‌های سیاه	۱۳۵	علی رمضان
لِلْخُرُوبِ رَجَالاً	۱۴۲	محمد رضا بحرینی راد
نابازیگری	۱۴۹	سید امید موهبی
ترازوی شخصی	۱۵۵	یاسین کیانی
گوشه‌ی حسین	۱۶۱	زینب ابراهیم زاده
شهید شد عباس محترم	۱۶۹	محمد سرور رجایی
یک شب خدمت	۱۷۵	امین شیرپور
نذر کردن نبض دوم	۱۸۱	فاطمه علوی یگانه
کاگلی	۱۹۱	علی زند

سخن ناشر

هر سال غیر گریه‌کن‌های همیشگی، چند غریبه هم ناشیانه از کنار دیوار روضه و هیئت می‌آیند تو و با کفش‌های بلاتکلیف، معذب از نگاه کنج‌کاو حاضران، گوشه‌ای یا پشت ستونی خودشان را جا می‌دهند. هر سال وسط روضه‌شنوهای حرفه‌ای که غم و عشق حسین با شیر از مادر گرفتند، شنونده‌های گذری و ناشناس هم نشست‌اند که خلاف تصور صاحب‌مجلس‌ها به هوای قیمه نیامده‌اند، نیازی آن‌ها را میان کتیبه‌ها کشانده است. ناشناس‌های خجالتی، معمولاً گرفتارها و سختی‌کشیده‌های آن سال هستند که در زندگی‌شان گره افتاده، در بن‌بستی مانده‌اند یا دردی در جان‌شان حلقه زده. روضه که شروع می‌شود غریبه‌ها زانو در بغل، مات به سخنران زل می‌زنند و گاهی که توی چشم نیستند آرام و نامطمئن اشک کم جانی می‌ریزند. پیش از روشن شدن چراغ‌ها هم می‌روند. این جستجوگران تازه‌وارد فکر نمی‌کنند در عزای حسین شفا می‌دهند یا گره باز می‌کنند، آن‌ها به گزارش این حماسه، به تفصیل ماجرای عبور از رنج نیاز دارند. آن‌ها به طمع با خبر شدن از این غم و بی‌خبر شدن از عالم آمده‌اند. رنجی تازه، آن‌ها را به صاحب رنج بزرگ نزدیک کرده، آمده‌اند که بدانند مرد چطور از مصیبت گذر کرد. گذارشان به این جا افتاده چون سؤالی دارند که فکر می‌کنند در روضه برایش جواب پیدا می‌شود.



کتاب «رست خیز» کتاب این جستجوگران است. رست خیز بیشتر از آن که روایت ارادت‌های گرم و سنتی به محرم باشد، شرح جستجوی مردمانی است که آمده‌اند تا بفهمند چطور می‌شود تشنگی و نیزه و خون مهم نباشد: «کسی مرعقل را گوید کجایی؟»

اشک‌هایی که از شوق یافتن حقیقت در گوشه‌ی چشم جمع می‌شوند این روزها کم شده‌اند و رست خیز، روایتِ فرور یختن چشم‌ها در ثانیه‌ی روبه‌رویی با حقیقت است «تری اعینهم تفیض من الدمع مما عرفوا من الحق».

این کتاب، روایتِ کرامت‌ها، شفا و معجزه‌های بزرگ نیست، شرح زنده شدن ذره‌ای از درون انسان در فراخوانِ هر ساله‌ی محرم است. داستان شنونده‌هایی که از مجلس روضه، خرده‌ای اندیشه، اندکی شهود یا تغییری کوچک غنیمت می‌برند. در کتاب «رست خیز» بیست و چهار نفر از انقای‌هایی نوشته‌اند که نسبت آن‌ها را با رخداد سال ۶۱ هجری تغییر داده. بیست و چهار نفر از تجربه‌هایی نوشته‌اند که درد دل این سنت عزا و در همین کوچه‌ها و تکیه‌ها شکل گرفته و دریافت و برداشت تازه با خودش آورده. کتاب رست خیز روایت محشر هر ساله است که هنوز هم رستگاری‌های کوچک و بزرگ می‌آفریند و ما را نو می‌کند.

رست خیز، کتاب دوم از مجموعه‌ی «کآشوب» است؛ مجموعه‌ای که بنا دارد اگر خدا بخواد هر سال از منظری دیگر و آدم‌هایی دیگری به حال و هوای امروز ما و روضه‌ها نگاه کند. عادت شیعه به ثبت عاشورا در شکل موزون بوده است. ما اغلب ارتباط خودمان با این حماسه را منظوم شرح کرده‌ایم و روایتِ منشور و قصه کمتر به این آستان عرضه شده‌اند. امیدواریم مجموعه‌ی کآشوب که کتاب دوم آن الان در دست شماست راهی باشد که نشر فارسی فرصت از دست رفته‌ی خودش را باز یابد و همراه شعر و نوحه به درگاه این رافعه پیشکش شود.